

جاودان باد خاطره ۱۵ خرداد

نقطه اوج مبارزات ضد امپریالیستی -

دمکراتیک ۳۸-۴۲

صفحه ۱۰

کس نه له گورد مُردوه، گورد زنده
 کسی نکوید که خلق کرد مرده است، خلق کرد زنده است! صفحه ۶



نوطئه سرکوب
نیروهای انقلابی را بپیوند
هرچه بیشتر با توده ها
نقش بر آب کنیم!

این روزها موموع سرکوب و تمغیه نیروهای انقلابی در سطح وسیعی بر سر زبانهاست. اینجا و آنجا زدستگیریهای گسترده و "مهیا کردن" زندانها و خانه گردی ها و از "اندوختن" سخن میسرود. نماینده اول تهران در چهارم خرداد دهکده م حضرت نمایندگان مجلس در زندان آیت الله خمینی از پیکار انداختن "تمشیردوم" سخن میگوید. شمشیری که یک دم آن علیه کمونیست ها بکا رگرفته شود! و آیت الله مشکینی از سرکوب کمونیستها حرف میرزند و اعلام می - دارد که حتی با بددراخنه های آنان حضور یافتن و آنها را تا روما زکرد...! (سخنرانی آیت الله مشکینی در زم که روز پنجشنبه ز تلویزیون پخش شد). خانواده های بسیاری از مبارزان که در زمان شاه خاشاک سیاه دلی ها و قساوت های ساواک و در حین رژیم پهلوی را تجربه کرده اند پس از قیام نیز شاهدان عمل ساواک منشا به بسیاری بوده اند. نگران حال فرزندان مبارز خود می باشند...

بقیه در صفحه ۹

کرایسکی و شرکاء:
وابستگان امپریالیسم در ایران

در هفته گذشته پس از "همسریان رهبران" بین الملل سوسیالیست اروپا بدعوت رئیس جمهور ایران به کنسرت آمدند. توجه و دقت نسبت به این دعوت و سفرو اهداف مبارزان و مسلمانان می - تواند ما را بیش از پیش در افشای چگونگی "مبارزه ضد امپریالیستی" رژیم و اساساً تلخی ای که از این "مبارزه" دارد در عین حال نفا و نپاشی شکست در این میان بین جناح های مختلف رژیم موجود است. رهسور بود. اما قبل از آن، یعنی پیش از برداشتن اهداف مبارزان (عمدتاً نوز و اسرائیل) از این دعوت و بررسی مقاصد همگان از این سفر لازم می - دانیم که مختصری در باب چگونگی تشکیل و ماهیت این "بین الملل سوسیالیستی" که بنا شده است نشان بدهیم تا با پذیرفتن گرم و تابان توجه مسئولین و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی ایران روشرو گشتند، بنکاریم: بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر این شماره:

- حزب توده و ادامه خیانت هایش صفحه ۱۳
- یاد شهیدان خلق عرب را گرامی بداریم! صفحه ۱۶
- بمناسبت ۵ ژوئن، یورش تجاوز کارانه اسرائیل علیه خلق صفحه ۱۵
- اخراج کارگران و کارکنان مبارز کارخانه ماشین سازی تبریز صفحه ۳
- نامه بازماندگان شهدای سینما رکن آبادان صفحه ۱۲
- سازمان مجاهدین و جنبش کردستان (۳) صفحه ۷

از خندیدن به وی ... استفاده می کنند. همزمان با اعدام نیروهای انقلابی و کمونیست - ها شی که در دفاع از خلق کردید در دفاع از دستانگانه - ها در برابر برپورشی که بنا به "انقلاب فرهنگی" انجام شد ما دفاعه مبارزه کردید. بقیه در صفحه ۴

شاه هنوز هم زوزه میکشد:
کمونیستهارا بکشید! چرا؟

همزمان با او کجبری تبلیغات ضد کمونیستی در رادیو تلویزیون و مطبوعات کشور و از زبان مسئولین و رهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران، همزمان با نیست دادن سبب آنها مات و قبیحانه نظیر "تش زدن خرمن" و "جنگ افروزی در کردستان و جا های دیگر" به کمونیستها، همزمان با بمباران کردستان و قتل کس کردن خلق فهیمان کرد، همزمان با تشکیل "دادگاه های عدل اسلامی" بدون حضور هیئت منصفه و بدون وجود وکیل مدافع و با وضعی که مردم شا هندنگه چگونه در دادگاه آنها هم در شرا بطی که در دادگاه متهم را محاکمه نمی کنند بلکه با جوشی می کنند و برای خرد کردن روحیه متهم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



اخراج کارگران و کارکنان مبارز کارخانه ماشین سازی ادامه سرکوب کارگران

پس از حمله عناصر ضدکارگری مزدور به شورای کارخانه ماشین سازی شیراز و انحلال آن، اینک کمیته با اطلاع با کسری که در کارخانه متفرقه، دست به اخراج عده‌ای از کارگران و کارکنان مبارز کارخانه (که عده‌ای از آنها نمایندگان کارکنان بودند) زده و با بی‌رحمی تمام ما می‌این کارگران و کارکنان مبارزان در کارخانه و اکسهای فراری و اخراجی، مدیران عامل و سایر عناصر ضدکارخانه گذاشته است.

هجوم به خلق قهرمان کرد، حمله به انکاه این سگ‌آزادی و کشتار بدخوبان انقلابی، حمله به کارگران و سبک‌ران و کشتار آنها، حمله به چاهخانه‌ها و تشریفات و روزنامه‌های انقلابی، تشدید تسلیمات ضد کمونیستی همگی حلقه‌های زنجیر توطئه هیئت حاکمه بر علیه کارگران و زحمتکشان، برای تأمین "امنیت" سرمایه میبایند. حمله به شوراهای کارگری یکی از حلقه‌های مهم این تهاجم سرمایه‌ری میباید. رژیم عناصر سرسپرده آن با دست زدن به این حملات فنی - خواهی که شوراهای واقعی کارگری را منحل کنند تا بتوانند نظم سرمایه‌دارکارخانه‌ها برقرار نمایند و در این جهت لازم است تا دست به اخراج و دستگیری نمایندگان کارگران و کارکنان مبارز بزنند (کاشی‌پازی ایران، مجتمع فولاد اوز، ایرادک، پشم‌پوتو... وایک ماشین سازی).

ابوالفضل موسوی از عوامل رژیم به شورای متذمم کارکنان ماشین سازی برجست آمریکا نشی میزند و بکارگران میگوید: "اگر خودتان این شور را منحل نکنید خود آنرا منحل خواهد کرد و اگر انتخابات بعدی کسی از همین افراد را انتخاب کنید من دهنه‌اش را میگیرم و او را از ایران بیرون میاندازم" او میخواهد که نمایندگان مورد تهاجد دولت باشد، دولتی که نماینده سرمایه‌داران و محافظ نظام سرمایه‌داری وابسته یعنی دشمن کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد.

اما کارگران از شوراهای تهاجمی خود حمایت می‌کنند، اینست که رژیم دست به اخراج کارگران و کارمندان میزند. البته با اخراج چند نفر با وکی و عنصر ضدکارگری میخواهد بگوید ما برای ما خواست کارگران حرکت کرده‌ایم - در صورتیکه عناصری مثل

کارگران مبارز "ترانس پیک" سرپرست ضد کارگر خود را اخراج کردند!

دعوا به زاندا رمری کاروانسرا سنگی کشیده میشود، واعضای شورا همراه با سرپرست و دو کارگری که به حمایت از او درگیری ایجاد کرده بودند به ساکاه میروند. از طرف دیگر کارگران کارخانه تولید را می‌خواهند و منتظر تصمیم با ساکاه می‌مانند. در ساکاه زاندا رمری با توجه به اینکه، روسا و مسئولان همان روسا و مسئولان قبلی هستند، سرپرست میتواند کمک بعضی از دستا نشان اعمال نفوذ کرده و جریسان را نفع خود تقسیم دهد، بطوریکه رشتن با ساکاه از در مخالفت با شورا و به پشتیبانی از سرپرست میکند که اعضا، شورا را به زاندا شکا بفرستد. با رسیدن این خبر به کارگران، این از بحث و مینور با یکدیگر تصمیم می‌گیرند که دست به تظاهرات بزنند و از کارخانه تا محل با ساکاه را بهیما می‌کنند.

حدود ۱۵۰ کارگری شعارهای "الله اکبر" و "حلال‌کری کارخانه اخراج با یکدیگر دست به تظاهرات میزنند. در بین راه کارگران برای رهگذرانی که میخواهند علت تظاهرات را بدانند توضیح میدادند و وقتی صف تظاهرات حرکت کردگان مقابل با ساکاه زاندا رمری میسرد، کارگران پشت زده‌ها اجتماع کرده و خواستار محکوم کردن سرپرست و ملاقات با اعضا می‌شوند. رشتن با ساکاه اجماعی هوس توجیه که کیفیت فعلی کارگران مانند گذشته سخنان خود را با آنها نتواند کارگران شروع میکنند و آنان میخواهند که سرکار خود را بزرگ کنند. اما کارگران به او اجازه دادند که صحبت نمی‌دهند. سرپرست مدکارگر که از اجتماع کارگران به شکستی آمده بود، مانند همیشه که وقتی در موضع ضعف قرار می‌گرفت شریک زمان می‌شد، با جریسای و خویشرونی شروع به صحبت کرده و سعی میکند که کارگران را بفریبد. اما آنها که اکنون او را خوب می‌شناختند به سوی فرصت صحبت نمی‌دهند. آنکامیکی از اعضا شورا برای کارگران صحبت کرده و سپین همه اعضا همراه کارگران بسوی کارخانه حرکت می‌کنند. در مسیر با زکشت، کارگران سفت بعد از ظهر هم‌گسه نظرف کارخانه می‌فرستند از زمینی بوسها پمانده و به کارگران می‌پیوندند.

بدین ترتیب با مقاومت یکپارچه کارگران نقشه‌های توم و شترک با ساکاه زاندا رمری و سرپرست برای محکوم کردن شورا و کارگران خنثی میشود. همان روز جلسه جمعی با حضور مدیر عامل و اعضا شورا و کارگران تشکیل میگردد و پیرامون مسئله اخراج سرپرست از کارخانه بحث میشود. نتیجه این نشست اینست که سرپرست مدکارگر اخراج گردد و دوش کارگران آگاهی که در سابقا روی آورده بودند، به کارخانه بازگردند. اما نسبت به عملی که انجام داده اند به آنها اخطار نمود. این تصمیم روز شنبه ۲۵ اردیبهشت ماه بصورت کسی به کارگران ابلاغ میشود.

تجارب و درسهای این مبارزه

الف - نکات مفیدی:

گزارش زبیرا رفیق کارگری هنگامیکه برای پیدا کردن کار به کارخانه "ترانس پیک" مراجعه کرده بود بر اساس مشاهدات خود از تظاهرات کارگران این کارخانه و نیز صحبتها می‌گفت چند نفر از کارگران داشته و دنبال کردن نتیجه آن تهیه نموده و شورای پیکار را سال داشته است.

روز دوشنبه ۵۹/۲/۱۵ کارگران مبارز شرکت "ترانس پیک" با تفعی یکی از سرپرستهای مدکارگر کارخانه، کامدیگری در جهت پیشبرد مینا زرات هفتی خود برداشتند. ما هیت این سرپرست با انحلال شورای قبلی بدمریح برای کارگران روشن شده بود. آنها با راه فلدر برای، گردنکشی و اعمال تفرقه افکنانه او را در جهت بهم زدن صفوف متحد کارگران دست زده بودند. از آنجا که سرپرست مذکور حرکات شوری جدید و منتخب کارگران را علیه منافع خود همیال کسپایس می‌بیند، از بعد از عدم منظور مرتب علیه آن دسیسه و توطئه چینی میکند. وی روز دوشنبه (۵۹/۲/۱۵) با وجود اخطارهای قبلی شورا، عمل همیشه یکسانت اروتت کارش را به ورزش "زبان" می‌برد از این عمل در حالی انجام میگردد که کارگران اجازه نداشتند، حتی چند دقیقه‌ای اروتت کار را به اسراحت ویا ورزش بگذرانند. شورای کارخانه طی نامه‌ای سرپرست را ۵ روز جریمه میکند، سرپرست که از این عمل شورا بسیار ناراحت شده بود ضمن اعتراض به اعضا می‌آورد در حضور کارگران به آنها توهین میکند. کارگران توهین به شورا را که خودشان انتخاب کرده بودند بدرستی توهین به خود دانسته و به سرپرست نشدت اعتراض میکنند. در این میان دوش از کارکنان ساکاه به حمایت از سرپرست، با کارگران درگیر می‌شوند و متاسفانه کار به زد و خورد میکند. جریسان

مهندس "یکتا" بعد از اخراج، مجدداً در مقام لائری جای گرفتند. هدف بعدی رژیم، حاکم کردن شوراهای فلابی از نوع سندیکاها می‌فرمانتی زمان شاه است. اما کارگران قهرمان ما، با مقاومت و مبارزه همچون سایر هم‌زنجیران خود (مانند کارگران مبارز چوکه که توانستند ما زده مجدداً خود، کارگران اخراجی را بر سر کار بگردانند) نخواهند گذاشت تا این توطئه رژیم بشمار برسد چرا که کارگران خواستار پاک سازی از طریق شوراهای واقعی خود بوده و این کمیته‌ها را پاکسازی فلابی میدانند.

کارگران و زحمتکشان ما وظیفه دارند از کارگران و کارکنان مبارز ما را حمایت سازیم تا ما بتوانیم این حمله موجی است از سبب حملات هیئت حاکمه بر علیه کارگران و زحمتکشان و تهاجمی فلقهای تحبیت ستم ایران، بگردانیم اگر بتوانیم بگردانیم، به کارخانه‌های دیگر خواهد رسید.

منتحکما دهیستگی کارگران و زحمتکشان تا بسود بساد نظام سرمایه‌داری وابسته

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

آزادی نفتگران مبارز با پیکار متحدانه کارگران امکان پذیر است نه با سیاست سازشکارانه

بیش از نیمی از نفتگران از نمایندگان شورای پانزده ساله نفتگران میگذرد، در این مدت شورا نه تنها خود هموار سیاست سازشکارانه و استغاثه و نگاه به بی لاینها را دنبال نموده بلکه از گسترش مبارزه و اعتراض کارگران نیز جلوگیری کرده و بدین ترتیب سرچارت و وقتاحت هیئت حاکمه به ادامه سیاست نفتگران مبارز افزوده است. کارگران می بینند در حالیکه رفقای مبارزان در زندان بسر می برند مقامات مسئول صنعت نفت در تلاشند تا با کبکهای فراری را تحت حمایت خود به سرکار بازگردانند.

مشاهده این وضع و سازشکاری نمایندگان (و وابسته به انجمن اسلامی) خشمناکانه اکثریت عظیم کارگران را برانگیخت. آنها میخواهند هر چه زودتر مجمع عمومی تشکیل شود تا برای جلوگیری دفاع از حقوق خویش و تلاش برای آزادی نفتگران زندانی تصمیم گیری شود.

فروتنی بلیا سراسری و انبساط مخصوص نمیباشد. همزمان با ادامه کردن بیش از پیش جود کمونیستی به انواع و اقسام و احاد دیکته کاذب در دل مردم ناآگاه علیه کمونیستها بدین عنوان که کمونیستها ملحد و خدانشناس و خرمن سوز و ضد ملت و بیگانه پرست و عمال آمریکا و شوروی و غیره هستند... آری همزمان با اینهمه توطئه ها که حواس را میپزاید ایستاد آمریکا و مزدوران و همدستانان داخلش یعنی ساواکها، فرماندهان ارتش و سرمایه داران وابسته... در احکام و کتیرش این توطئه ها نقش دارند. شاه و خاش و سایر همدرازین زوره های بیست حواستار کشتار کمونیستهاست:

۱- رادیو صدای آمریکا صبح روز ۵۹/۳/۷ مباحثه شاه را چنین منتشر کرد: «مواشکتین است. راه که در راه به عمل آمده سخن کرد»
۲- شاه اظهار امیدواری کرده است که میهن پرسان (یعنی ساواکها که دسته دسته آزاد شده و با ساواکها رکنها کرده شده اند و نیز سران ارتش نظیر فلاحی و باقری ها و کسانیکه در سرکوب خلق کرد همان جنابانی را مرتکب شدند که آری با نشان در : شاه و فلسطین)، ایران را احاطه دهند. زیرا در غیر آن صورت ایران بدست کمونیستها خواهد افتاد.
۳- واقعا چرا شاه و اینقدر از دست کمونیستها میباید و چرا اینقدر از آنانی می ترسد و حتی در آخرین زوزه های ما بوسا نه اش با زبون کمونیستها نشسته است؟
۴- واقعا چه نقطه مشترکی، چه منافع مشترکی بین شاه و وزیر خا کم کتونی در سرکوب کمونیستها وجود دارد؟
۵- تنها دلیل این است که کمونیستها دشمنان درجه اول و سازشنا پذیرا میربا لیم، سرما به داری و هرگونه ستم ملی و طبقاتی هستند و به این دلیل است که کمونیستها با ران مدیق و قدا کار کارگران و

«علاکیر» و «مدافعانی» خواندن سرپرست صورت شمار «علاکیر» رخا نه اخراج با ندرود در نظرات خاصا ساسی روز دوشنبه (۵۹/۳/۲۵) تا درست بود. این درست است که اینگونه سرپرستها در انقلابی و انقلابگر حساب میآیند، اما نانونه جو و شرایط موجود در حاکمه (که معمولاً «مدافعان» و «علاکیر» به معنای سر مبارز و انقلابی حاکمه و کارخانه گفتمه میشود) تا کنبد سر روی اینگونه شمارها و آبرو محور تبلیغات کارگری دیدن، تا درست بوده و به هدایت مبارزه ضربه میزند. همچنان که بهنگام نظرات بیرون از کارخانه این کارگران هم برخی از رهگذران می بینند که این نظرات علیه کارگران مبارز و انقلابی است. تا کنبد اعلسی کارگران در سلسلهات خود علیه اینگونه عناضریاستی بر خصوصیت «مدکارگری» آنها باشد.

- ۱- نظرات در بیرون از کارخانه، اینگونه مشاظران برمه مبارزه را محیط محدود کارخانه به میان مردم کشانده و موجب آگاهی یافتن سایر کارگران کارخانه ها از غلطی اعتراض این کارگران می گردد.
- ۲- حواسه های «نظارت بر تولید» پس از اخراج سرپرست، کارگران قدیمی خود نظارت بر تولید بحسی از کارخانه را به عهده می گیرند. این عمل گذشته آری که باعث بهتر شدن کیفیت لامپها میگردد، کارگر - ان را نسبت به عنوان کارآیی خود آگاه تر می گرداند. کارگران در عمل می بینند که میتوانست بدون سرپرست نیز خود تولید را بگردانند.
- ۳- نگاه و کدشتن بین کارگران و سرپرست: تقابلی که بهنگام محاکمه محازات میان سرپرست و کارگران ناآگاه می گذارد و اولی را اخراج و بنده سنها به خاطر رکافت میکند تا شرخوبی روی کارگران میگردد و با عت وجود آمدن بحثها بین آنها و با لایمنی آگاه طبقا نشان میگردد. این سرچورد و دوگانه به کارگران نشان داد که کارگران چه آگاه و چه ناآگاه (بشرطیکه مزدور نباشند) همه از یک طبقه بوده و دارای منافع مشترکی هستند. در اینگونه موارد با سستی شیوه سرچورد ما نسبت به سرپرستان و عوامل کارفرما در جهت افتاد و طرد (در اینجا محاکمه اخراج) آنها نشان داد و در مورد کارگران ناآگاه و فریب خورد ه کار توضیحی و آموزش این نکته که منافع آنها در حمایت و پشتیبانی از خواستها و منافع دیگر کارگر - ان است و نه حمایت از سرپرستها و عوامل کارفرما!

بقیه در صفحه ۱۱

شاه...

همزمان با سرور انقلابیون کمونیست و نیروهای مترقی و همومیه میتنگ ها و موسسات فرهنگی، روز - نامه و کتا به روشنی های مترقی و مردمی، همزمان با دستورات غلط و تداوم به مردم که کمونیستها و نیروهای انقلابی را همچون ساواک! ساسانی و تعقیب کنند، (آقای مهدوی کنی سرپرست کشته ها طی اطلاعهای مندرج در اطلاعات ۵۹/۳/۶ من طرح جنس خواستهای از مردم می افزاید که جهت ساسانی و دستگیری این به اصطلاح مجرمین

بعد از ظهر روز سه شنبه ۵۹/۳/۳۰ طبق دعوت مشترک شورای کارگران و کارمندان جلسه ای در بنا تکسنا صنعت نفت آبادان تشکیل شد و در آن شورای کارگران گزارش کار خود را در مسافرت به تهران و بنا سبسا مقامات مسئول بیان کرد. در خلال این گزارش گفتمه شده نمایندگان (وابسته به انجمن اسلامی) شورا برای حل مسائلنا بحای تکیه به قدرت همبستگی کارگران جلوی ماشین منتظری خوابیده اند!
کارگران آگاه و مبارزان از نشین این گزارش از نا راحتی بخود می پیچیدند، آنها می دیدند که چگونه عده ای سازشکار قدرت عظیم کارگران را با بازی می - گیرند و بنمایندگی از آنها جلوماشین منتظری می خوابند.
این جلسه پس از یک سری افشاگری از سوی کارگران آگاه و مبارزان جمله اینکه بدستور معین فر هیئت تحریریه نشریه سبسا با حق استفا ده از مکانات چاپ صنعت نفت مد. میخرد دولی "اداره سبسیج ملی" (ساواک جدید صنعت نفت) میبایست از آن استفا ده سبسا بدو فرزند طعنا می یابان میافت. پس از این، این نشست بخش عظیمی از کارگران با شعارهایی چون کارگران زندانی، زندانی سیاسی آزاد با بدگردد و مرگ بر معین فردرکوی کارگردست به راه میبایست روند.

زحمتگنان می یابند و به همین دلیل است که تمام نکبها با نا و خافطین سرما به داری در هر رنگ و لباس دشمن آنها هستند.
شاه در مباحثه اش در مورد نقش احتمالی اش برای جلوگیری از کمونیست شدن ایران گفت "این امر بستگی به خواست ملت ایران دارد. اینجا سوال سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی بدست رژیم پهلوی برای شاه است که آیا نیست، او هنوز محضرات شاه و طلبا نه به کتا رگ. و نیستنها بپیرا زد.

شاه در حالیکه از آریانان امیربا لیمت خویش آمریکا و انگلیس کله مند است که چرا در سرکوب بیشتر مردم و آریانان را نداند و درواها قتلانه تری را در رابطه با هدفهای درازمدتشان پیش کشیدند و ارتش را به "کوتاه آمدن" در برابر آیت الله خمینی وادار کردند می گوید:
"آمریکا و انگلیس راه را برای بقدرت رسیدن خمینی هموار کردند زیرا گمان می کردند که اسلام می ترسد جلوی کمونیسم را بگیرد در حالیکه اکنون (بعقیده) ایران بیش از هر زمان دیگر آماده افتادن به دست کمونیستهاست."
و در جای دیگری از این مباحثه شاه "دل میوزاند" که آنچه در ایران با اسلام انجام میشود مردم را از اسلام دور و منزوی می سازد."
آنچه در اینجا مقصود ما است تکیه بر کینه ای است که شاه خاش نسبت به کمونیستها می ورزد. او دشمن طبقاتی خود را با نشان را خوب شناخته است. او می داند که تنها کمونیستها هستند که با ایدئولوژی علمی و انقلابی خود ریشه سرما به داری را برای همیشه بر می کنند.
رهبران جمهوری اسلامی که از صبح (واقعا صبح) بقیه در صفحه ۱۵

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بغچه از صفحه ۱

توطئه ...

بنظر ما وقوع چنین رویدادهایی کاملاً محتمل و ایگان بدیراست و این خط و مسأله است که هیئت حاکمه کتونی بین از روی کار آمدن خود آنرا دنبال کرده و بسته به شرایط و قدرت تکنیکی خویش آنرا بکشد و یا با تأیید پیش برده است. حتی قبل از به قدرت رسیدن رژیم کمونیستی، یکی از مسائل مهم که در زمان بحثنا رو به خصوص در آستانه فضا میرکوه به همین ماه مورد گفتگو و مکارانه سران جمهوری اسلامی با امیراللیست ها قرار داشت، موضوع جنبش کمونیستی ایران بود. در این مورد ویژگی طبقاتی و مذهبی رهبری انقلاب و قدرت روحانیت و شخصیت‌های مذهبی (وابسته به آن) را مختلف سوزواری (عامل مهمی در چگونگی برخورد امیراللیست‌ها به انقلاب ایران در آن موقعیت انقلابی) حاکمه و مسائل مختلف آن از جمله مسئله کمونیست‌ها بود. زمانی که با به‌های نظام لطفی در طوفان انقلاب ایران روبه‌وبرائی میرفت و زمانی که طاق میرما به‌داری و وابسته‌مورد مخاطره جدی قرار گرفته بود امیراللیست آمریکا در نا کشتک‌ها و سیاست‌های خود دنبال این مسئله بود که چگونه می‌تواند کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی را از قدرت گرفتن تا زار دارد، و در همین رابطه برای امیراللیست‌ها تا بل فهم بود که ویژگی طبقاتی و مذهبی رهبری انقلاب و متحدان لبرال وی ضمن مناسباتی برای آینده و بخصوص در این مورد می‌تواند امیراللیست می‌توانست این امر را با رادان‌ها به‌اندک در رژیم جدید در مقابل و علیه کمونیست‌ها خواهد بود و در همان مذهبی نیز که رانسان بلندا امیراللیست آمریکا آگاهی داشتند برای او را ز کردن او به برین در مقابل خود، از دادن این ضمن خودداری نکردند. در مذاکرات بر سرال هویز و پستی و یا زرگان اسکوه مسائل بارها مورد بحث قرار گرفت و مهم‌ترین آن آینه‌الله خمینی هنگامیکه در بارین بر سر میرد، در نام‌های دیگر رزنها و اطمینان داد که چگونه ما به از قدرت گیری کمونیست‌ها در ایران خواهد بود. (اما بعد گنبد سحرانی دکتر سزوی در کاخ ساروان در سال گذشته)

درحالی‌که توطئه گرانه "تابتی" و "سرهنگ توکلی"
همانطور که گفتیم پس از تمام ما تا حدی است و برنا ماه‌های منحص در رابطه با سرکوب نیروهای انقلابی سوزره کمونیست‌ها بوده است. ز جمله توطئه‌های سرکوب جنبش بود از اول، طرح جناحینکا را به پرویز ساسی که بلافاصله پس از تمام از آن برده برداشته‌اند بر اساس این طرح برار بود که تا قیما بنده‌های سازمان جهانی ساواک و غیره با نکار برودن شیوه‌های مختلف سیاسی و نظامی ارکان‌های مختلف مسلح، نظیر کشته‌ها را در دوروی نیروهای سیاسی - نظامی کمونیست قرار دهد، تا بدین طریق ذهن بوده‌ها را از ادامه مبارزه علیه دشمن اصلی خود یعنی امیراللیست آمریکا و سرما به‌داری و وابسته به مبارزه کمونیست‌ها منحرف کرده و بدینحال خود را در آن زدن به حوضد کمونیستی، کمونیست‌ها را قتل عام نمایند.

طرح توطئه‌آ میزدن که در همان جا راجوب طرح سیاسی بود، سرما به‌سرهنگ توکلی معلوم الحال بود که اولین وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران در کابینه موفق باررگان بود، این توطئه آنچنان رسوا بود که با بر ملا در آن باررگان مجبورند پس از تمجد از این مزدور و "تاکت" منزه "داسن" او (از نوع همان "تاکت" امیراللیست) و ارکان را برکنار کرد.

توطئه‌های دیگر علیه نیروهای انقلابی

از این دو نمونه که بگذریم، دو نمونه‌ای که آشکارا توسط مزدوران و جاسوسان مستقیم امیراللیست آمریکا مطرح گردید، ما با برنا به‌ها و طرح‌های سازمانت و وسیع تر و بیکرانه‌تری از جانب هیئت حاکمه و جناح‌های مختلف آن روبرو شده‌ایم، که هدف آن حمله تبلیغاتی و سیاسی علیه نیروهای انقلابی سوزره کمونیست‌ها و ترور و اقدام آن‌ها بوده است. تبلیغات تشنه روزی عوام مغربا نه و خصمانه رادبولوژیون و روزنامه‌های وابسته به حکومت، ترور انقلابیون کمونیست و اقدام آن‌ها در کردستان و اهواز (در حوادث اخیر) دانشجوی کمونیست اقدام شدند (و دستگیری و زندانی کردن آنها و سرانجام تشنه‌ها بر کمونیست و انقلابی از آموزش و پرورش و ادارات و کارخانه‌ها و... جزئی از این خط و سیاست رژیم جمهوری اسلامی بوده است. در اینجا نیز می‌توان جای‌بای امیراللیست‌ها را بخوبی مشاهده کرد. در واقع نیز نمی‌توان با وجود مزدوران امیراللیست در دربار ارتش و دولت، مثال ل نیمه افلاخی و امیراللیست - انتظام (که در مورد او بدلیل درگیری سن جناح‌های مختلف حکومت، مسئله روند او با حضور حاکمان امیراللیست آمریکا نظیر دکتر سزوی و عمران درراس امور و وجود دوستان ز سرال هویز آمریکا که در درون حزب جمهوری اسلامی و "تشریح"‌های آن نظیر دکتر آیت‌الله غمواقی را در دیده‌ها بسته‌ها نگلیس - بغاش (بنام حزب زحمتکشان که در سرکوبی دولت ملی مدتی نقش موثری داشت) و... آری با وجود حضور این حضرات در راس ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و اجرائی کمونیستی توان جای‌بای امیراللیست‌ها در سیاست و برنا ماه‌های هیئت حاکمه مشاهده نکرد. اما بنظر ما اساساً این ماهیت طبقاتی رژیم کمونیستی و رسالتی که این رژیم در برابر نظام سرمایه‌داری و وابسته‌میرید خود گرفته است بسیار دشمنانه است و این کمونیست‌ها و انقلابیون دمکرات و جنبش‌توده‌ای را توضیح میدهد، دشمنی‌ای که در قالب مذهبی توسعه و با زهم توسعه‌ی ما بدو امیراللیست نیز بر زمین‌چین واقعیتی امکان‌ناور و بی‌شیرین سیاست‌های خویش را پیدا می‌کند.

بنابراین اگر واقعیت‌های فوق را در نظر آوریم با زهم باغی افتاد و سرکوب و تشنه‌ای که این روزها از آن سخن می‌رود امکان بدین‌وعملی است ما تا کزیری نکارگیری اینگونه تا کتیک‌ها را از جانب ارتجاع در مقابل ما به‌کدام می‌سوزد؟ (پیکار ۵۴ و ۵۵) که در جهت جنگ داخلی است مورد تا کید قرار داده‌ایم. علاوه بر آن مکرر از بر ملا در طرح و توطئه ارتجاعی دانشجویان و وابسته به حزب جمهوری اسلامی در مورد دانشگاه‌ها مدت زمان زیادی گذشته است؟ و مگر جناح‌های فتنه‌گرا نبود که برای فتح‌باج‌اجرای این توطئه ضدانقلابی به سرسوزفت؟ و مگر با لآخره این طرح حزب جمهوری اسلامی برای تشه تعطیل کشادن دانشگاه‌ها تا ظاهراً برای قانونی و در قالب تصمیم شورای انقلاب مبتنی بر تعطیل کردن دفاتر دانشجویان انقلابی مورد موافقت سنی صدر نیز قرار گرفت و قرار شد که از ۱۵ خرداد دانشگاه‌ها بمدت نامعلوم تعطیل گردد؟ ...

بنابراین با بستن با هوساری تمام در مقابل اینگونه تا کتیک‌های ارتجاعی آماده‌بود، با بستن با احساس مسئولیت تمام امیراللیست‌تکلیاتی که ما را در مقابل اینگونه توطئه‌هایی دفاع می‌انجامد بازه کرد و تمام ملزومات امنیتی و تکنیکی کار سیاسی

- تشکیلاتی در بین توده‌ها را (مانند توده‌ها - چگونگی ارتباطات، نگهداری مدارک و آماره‌های برای ساختن محل‌های مناسب به‌همگام دستگیری و... در نظر گرفت.

حفظ و گسترش پیوند توده‌ای لازمه موجودیت

در اینجا لازمست به موضوع مهمی اشاره کنیم و آن اینکه اگر به خطب کتونی سازمان‌های انقلابی توجه نکنیم در مورد سرکوب کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی به‌دهی گراشی دچار خواهیم شد. این خطب که وصیت نیروهای انقلابی را با زمان رژیم شاه بنما بر ما زد، نفوذ و پیوند سنی آنها با جنبش توده‌ای و توسعه روزافزون پیوند آنها در بین توده‌ها است، بخصوص در مناطقی نظیر کردستان و ترکمن صحرا کمونیست‌ها توانسته‌اند سهم قابل ملاحظه‌ای در رهبری و هدایت مبارزات توده‌ای داشته باشند و همچنین نیروهای انقلابی و مترقی نیز در نقاط مختلف ایران نسبتاً دارای نفوذ و قدرت می‌باشند. از طرف دیگر این قدر ترور و سرور، در حال توسعه و گسترش است و بسیاری از توده‌های که از توم نیست به رژیم کمونیستی درمی‌آیند حول سازمان‌های انقلابی و مترقی گرد می‌آیند اگرچه ما را اینجا با مجلس شورای ملی (مرحله اول) توجه کنیم و آنرا با انتخابات مجلس خیرگان مقابله می‌نماییم، ملاحظه خواهیم کرد که بعد از این نمایندگان اول بار نمایان‌ها می‌آیند و نمایان وینکا نسبت به تمسک در رای انتخابات خیرگان حدوداً به‌دو برابر افزایش یافته است. بنحوا از آنجا که این پیوند سنی توده‌ای بین سازمان‌های انقلابی و توده‌ها وجود دارد، سرکوب آن‌ها در رانسان تا ارکان تک‌با جنبش توده‌ای قرار می‌گیرد و ارتجاع نمی‌تواند نظراً استراتژی یک بدون سرکوب جنبش توده‌ای (جنبش طبقه کارگر) ده‌ها سال و ملیت‌ها و... در سرکوب نیروهای انقلابی توفیق حاصل نماید. پس ما به‌دهی کنیم ارتجاع نمی‌تواند موقعیت نیروهای انقلابی سوزره کمونیست‌ها را در کردستان و ترکمن صحرا و دانشگاه و کارخانه‌ها و روستا‌ها و... سرکوب و تشه نماید مگر اینکه بر خلف‌های کرد و ترکمن و به‌اندک خوبان انقلابی و به‌کاررگان و ده‌ها سال آموزش برد.

بنابراین با بدین‌ها مقابله با انواع توطئه‌هایی که علیه نیروهای انقلابی تدارک دیده می‌شود، با تمام قوا و انرژی ما زهم بیشتر در استحکام رابطه خود با زحمتکشان و طبقه‌های ستمدیده و اقشار آگاه خلق تلاش نمودن و تمام عملکردها و توطئه‌ها و سیاست‌های ارتجاعی از جمله مورد سرکوب نیروهای انقلابی اهداف و چگونگی آنرا برای خلق افشا ساخت، باید در نظر گرفت که نشان دادن هرگونه زلزله در امر سازماندهی و رهبری جنبش توده‌ای که اینک به‌بها‌های مختلف در درون جنبش کمونیستی ایران و خصوص در سازمان چریک‌های فدائیان خلق معادلی پیدا کرده است، تنها و تنها دست ارتجاع را در سرکوب نیروهای انقلابی و از جمله خود اینگونه نیروها بازتر می‌گذارد. با بدین‌ها اینک از هرگونه خویشاالی برهیز نمود، هرگونه محظورات امنیتی و فتنه‌ار ارتجاعی را به نیروهای انقلابی با نکل نوس نری از تبلیغ کار علنی و مخفی خشی نمود و در نظر داشته‌اند که هرگونه محافظه‌کاری و تشه نشینی ذهنی گرا یا نکه منجر به جدائی از توده‌ها گردد، درست همان باشد که شیبیل نیروهای انقلابی خواهد بود، که دشمن را در سرکوب استراتژی جنبش انقلابی و نیروهای وابسته به آن موفق خواهد گرداند.



در مجلس ملی شاه در روز ۲۵ خرداد ۵۹ در تهران

جلودان باد خاطره ۱۵ خرداد قطعه اوج مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک ۴۲-۳۸

تکست معتصمانه ما نسیم جهانی که ما نهرمانی و فداکاری خلقهای سراسر جهان و سویزه طبقه کارگر انقلابی بدست آمد، هزیت قطعی سربیکر سرمایه داری جهانی وارد آورده و با اوج گیری جنبش های انقلابی مدام میربا لیسیتی در سراسر جهان، طوما را استعمار کهن را در هم پیچید.

ما موزونی رشد سرما به داری در عصر امپریالیسم اوضاع و شرایط جدید تعداد رزیک جهانی دوم، امیر - با لیسیم آمریکا را در مقام سربیکر دکی امپریالیسم جهانی قرار داد، امپریالیسم جوان و بیرون آمریکا با گامهای بلند و مصمم، مواضع رقبا ی خود را یکی شده از دیگری در سراسر جهان شخیر نموده و هر جا که با می گذاشت، سعی داشت سیستم استعماری نویسن را که جبار و غارتگری های آنکارا امپریالیسم در برده فرار می داد، بجای سیستم پوسیده و افتاد شده استعماری کهن ستاند.

انگکاس مستقیم جنبش وضعی در میهن ما عبارت بود از زاپها شدن استناد دنیا در فاشی و رشد و گسترش آزادی های دموکراتیک، جنبش وضعیتی سهرامه خود رتد نیروهای انقلابی و گسترش بیما بقده اصلاح جنبش بوده ای را به ارمان آورد، شعله های فروران جنبش مدام میربا لیسیتی - دموکراتیک - فضای سراسر میهن مان را منور ساخت و هر روز توده های سبتری را در دام خود جای داده و می پروراند، در جا لیکه حزب نموده ایران در سه ماهه مبارزات پرتکوه و دیرینه مبارزان کمونیست از حزب کمونیست ایران نا خورا های متحده سراسری کارگران از یکسو و مهبوسیت و نوریته فراوان! ردوی سوسیالیستی و سویزه فداکاری حماسه امیر کمونیستها در جنگ جهانی دوم از سوی دیگر، بر قدرت ترس و بیرون نمودن ترین سازمان سیاسی کشور بحساب می آمد، ولی سلطت غلبه ایورنوسیم منحن سربیکر رهبری حزب سواست نموده های حزبی و توده های ملیونی غیر حزبی را برای مبارزه، نطفی و انقلابی ترسیت نموده و برای انقلاب تدارک همه جانبه میبندد، از همین روست که سوز و آزی ملی به رهبری دکتر مصدق و دیگر فاطمی در زمان مبارزات مدام میربا لیسیتی - دموکراتیک سالهای ۲۲-۲۰ که با جنبش سراسری

سوز و آزی ملی نیز در کلیت خود یعنی معنایه یک نیروی سیاسی سوز و آزی در مصاف با فاشیسم و امپریالیسم انگلیس که حا می رژیم فاشیستی بود، نمایل و کشت بسوی امپریالیسم آمریکا داشت که موافق برقراری حاکمیت سرمایه داری بود، اما در منازعه با امپریالیسم انگلیس که بیگان تاز جنبش انقلابی در این دوره منوجه آن بود، دارای قاطعیت بود و همین امر اهمیت بسزایی داشت، از سوی دیگر خلط سازشکارانه و ناپسند سربیکر سوز و آزی ملی که عملیات خود را بصورت جناح ایورنوسیم رژیم موجود ترتیب داده و سعی خواست و سعی توانست به سیج و ترسیت توده ها برای انجام انقلاب بپردازد، و حتی در سه ماه پورتونسم، انحطاط و بی کفایتی رهبری حزب نموده، در اس جنبش انقلابی قرار گرفت، نمی توانست نیروی لایزال توده ها را بجای هدایت در مجرای انقلاب، در منافشات و مباحثات بپوش باطله ای سه در ندهد و به این ترتیب فرصت کافی به ارتجاع ضربه خورده ولی هنوز سرنگون نشده دادا نیروهای خود را جمع و متمرکز نموده و کودتای ضد انقلابی را به توده ها تحمیل نماید.

کودتا مواضع آمریکا را در سیستم و سویزه در ارتش تحکیم نمود، ولی نتوانست به برقراری حاکمیت بی چون و چرای این قدرت غارتگر جدید جهانی منحصر شود، رژیم ایران همچنان رژیمی نیمه فاشیستی - نیمه مستعمره و تحت سیطره، منسلط امپریالیسم

ملی شدن معنایه اوج خود رسیده بود، قرار گرفت، کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که نقطه پایدانی یک دوره از مبارزات مدام میربا لیسیتی دموکراتیک خلقهای ایران در فاشیسم ۲۲-۲۰ معنایه می آمد با نام دکتر مصدق و خیانت و ایورتو - نیم حزب نموده در تاریخ خونین انقلاب مدام میربا لیسیتی - دموکراتیک ایران ثبت گردید، تاریخ دربار این ایورتو نیمه خیانت با وفا طعنه دار و ناپسند است، جنبش ضربه ای نمی توانست تا شتر منگی خود را با از هم پاشیدن معوف طبقه کارگر، گسترش وسیع بسی - اعتمادی توده های خرده سوز و آزی به طبقه کارگر، ضربه سراسر حاد طبقه کارگر و خرده سوز و آزی و پاشیدن نسیم باس و نا امیدی در میان توده های مبارز با فاشیسم - نگذارد، آنجان ضربه ای که تا شتر منگی آن تا بیه امروز نیز دادا منگین نیروهای انقلابی است، امپریا - لیسیم آمریکا که در شرایط نویسن جهانی با شعار مزورانه و مصلحتی دفاع از آزادی و استقلال "به میداد" رقابت با امپریالیسم انگلیس و برقراری سیستم نوا استعماری بجای سیستم پوسیده استعمار کهن، گذاشته بود و در ابتدای امر سعی داشت خود را پشت سر معوف سوز و آزی ملی پنهان ساخته و اهداف خود را از طریق این نیرو - ها دنبال نماید، خیلی زود وقتی با امواج توفنده جنبش انقلابی مواجه شد در اشتراک با امپریالیسم انگلیس کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را ترتیب داده و در این میان حتی به (عنا مرصدی و میهن - پرست) سوز و آزی ملی نیز رحم نکرد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پیکار

"حزب توده" و ادامه خیانت هایش • "حزب توده"، علیه جنبش خلق کرد با سرکوبگران خلق کرد همکاری میکند

"حزب توده" در راه پانگوشی بسنه اربابان سوسیال امپریالیست این همیشه دوسبانت اما سوسیالیست بهرمان تعقیب میکرده است: سیاست اول - در - یوزگی درقبال قدرت حاکم، سیاست دوم - توطئه و خیانت نسبت به جنبش خلق.

در زمان رژیم منگوروس سرپرده پهلوی حرکت حزب توده، این دو جنبه از یک منی واحد است: بروشنی درخود منعکس می نمود. حزب توده از یکسوا زرفرمهای ارضی امپریالیستی حمایت نمود، به سلطنت محمد رضا شاه سوگند خورد و اعلام وفاداری کرد و به جناحهای "دورا اندیش" سرما به داران وابسته و کمپرادور دست دوستی دراز نمود و از سوی دیگر به جنبش ۱۵ خرداد ۴۲ حمله کرد، واقعاً انقلابی سیا هکل را کا رعنا صصر تحریک شده از جانب ساواک توصیف نمود، اقدامات انقلابی دانشجویان مبارزان را ساواک و انعمود ساخت و بیپوسته برای جنبش مردم، از خارج کشور منط - ترین منی سازنگارانه و ضد انقلابی را تجویز میگرد (۱) خط منی ارتجاعی "حزب توده"، پس از استقرار

رژیم جمهوری اسلامی ندامت یافت زیرا ما هیبت حزب توده تغییر نیافته بود. او از یکسودا ابتدا از یوزوا لیبرالهای ارتجاعی حمایت آنکا ر نمود، پس از سوا شدن اینان مقداری عقب نشینی کرده، ولی حمایت فعال خود را از رژیم ارتجاعی حاکم ادامه داد. در سوی دیگر به جنبش کارگری حمله کرد، بسا عوامل رژیم علیه کارگران انقلابی و تشکلات مترقی توطئه ریخت، به نیروهای کمونیست و انقلابی بیپوسته حمله نمود و کشتیگریترین حملات را به جنبش انقلابی خلقها و بطور منحن خلق کرد و در ساخت، حمله ارتجاعی "حزب توده" به جنبش خلق کرد نتیجه منطقی دشمنی آنکارا بر نیروی انقلاب خلقها می - باشد. او در این راه همیشه در همکاری با روبریو - سیاست های خاش سجهانی و همه با هم در خدمت ارتجاع حاکم سرما به داری وابسته بطور مستمر کوشیده اند. مندانیم که رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا دشمنی خود را با خلق کردستان داد. این رژیم با راه مردم کردستان را کشتار نمود، حقوق حق آنان را با بیل کرد و در مقابل خواست خود بخاری کردستان با کتلوه آنها پاسخ داد. این رژیم ما هیتنا نمی - توانست به خواستهای انقلابی خلق کردی پاسخ گوید و آنچه کرد خارج از ما حس او نبود و واضح است که او در راه سرکوب جنبش کردستان از حمایت بیدریغ تمام امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی برخوردار بود. ولی روبریونیت های "حزب توده" که بیپوسته در پی آرایش چهره های طلادن خلقها میباشند صحبت از "نقطه منف جمهوری اسلامی ایران در حل سریع و واضح" مسئله کردستان و استقرار صلح عادلانه می - کنند. مقاله "کردستان یکجا میرود؟" (مردم ۵۹/۲/۲۱) از دیدگاه روبریونیتی "حزب توده" رژیمی که درج - با رسانی نظام سرما به داری وابسته کوشیده است... نمیتواند مسئله خلقها را حل کند. یعنی حق در دست خلقها را بحق بختند! از دیدگاه

(۱) - برای تحلیل از حرکت "حزب توده" رجوع توده پیکار ۴۲ مقاله "حزب توده" از مشروطه خواهی تا قیام خلق.

عندما رکیستی "حزب توده" یوزوازی ما هیتنا قسار است که نسبت به خلقها اعمال یونینسم و ستم و گمانه ننما بدو "صلح عادلانه" را به زحمتکشان اعطا کند! از نظر "حزب توده" تنها ایرادی که به رژیم حاکم وارد است اینست که سرعت عمل ندارد و از بسن عدم سرعت عمل "مدانقلاب" بهره گیری میکند و در کردستان بلوا بیما می نماید!

ضد انقلاب کیست؟

اما یونینسم از نظر کارگران سوسیال امپریالیسم شوروی در کردستان "ضد انقلاب" کیست؟ "مردم" می - نویسد: "عوامل رژیم یعنی عراق و امپریالیسم آمریکا در کردستان چون اویسی ها، بختیارها، شیخ جلال، کومهله، شیخ عثمان، بیکارو... از یکسو و اعمال آنکار و نهان امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق در ارتش از سوی دیگر، همه و همه دست بدست هم داده اند تا جمهوری اسلامی ایران در خون خلق کرد، با سادار و سرپا زغر ق شود" (ما نجا)

و انما ضد انقلاب کیست؟ تا "حزب توده" مرزی بین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش می نماید: آیا فریب کاری و دروغپردازی های ارتجاعی - سر - توده می - تواند بین مرزها بسودا زد؟ لازم بتوضیح نیست که تاریخ سازسانی خلق ما علیه رژیم منگوروشه نشان داده است که چه کسانی علیه سرما به داری وابسته و امپریالیسم سرما زده کرده و جنگیده اند و چه کسانی به سازنگاری با مرتجعین و خدمتگزاران نسبت به امپریالیستها برداخته اند. تاریخ نشان داده است در همان زمان که حزب توده در خارج از کشور مجبور شد تا فرامی گفت، "فرزندان انقلابی خلق و از جمله رفقای ما توسط رژیم خونخوار پهلوی به اسارت درآمده و با برجونه های اععدام تیرباران می شدند، و تاریخ همین رژیم کتونی نیز ثابت کرده است که چه کسانی برای انقلاب وفادارند و چه کسانی برای در یوزگی حرکت خود را ادامه میدهند، تاریخ دوره جدید نیز نشان داده است که نیروهای انقلابی ما ندیکومهله، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر... به آرزو ما خلق و فا داده بوده و با طرد هرگونه سازنگاری علیه امپریالیستها و مرتجعین مبارزه کرده اند. آری تاریخ مبارزه طبقاتی و ملی نشان داده است که چه کسانی در جنبه انقلاب قرار دارند.

ولی تاریخ دوره اخیر واقعیت دیگری را نیز نشان داده است و آن اینکه رژیم جمهوری اسلامی مناسبات امپریالیستی و از جمله مناسبات بسا امپریالیسم آمریکا را با خود ساخت، عمده قرار داد - های اسارت با ارتجاعی را دست نخورده نگهداشت و ارتش شاهنشاهی را با ترمیماتی بخدمت خود گرفت. بله رژیم مورد حمایت روبریونیتها "حزب توده"، زبانه های تانکهای اسلام آورده را برای سرکوب جنبشهای مردمی به ایستو آستوی مبین ما کسبیل داشته و با ران اویسی ها، با لیزبیا و بختیارها را در دامن خود پیناه داده است. فرما ندجان ارتش جمهوری اسلامی چهکسانی جز فریبدها، طهریزاده ها، با قری ها، فلاحی ها و... هستند و اینان ما هیتنا چه تفاوتی با همان اویسی ها و با لیزبیاها دارند؟ سستم و نظام حاکم بر ارتش اسلامی چه تفاوت کیفی

با سستم ارتش آریا مهری دارد؟ بله امروز کردستان را همین ارتش جمهوری اسلامی میکوبد و همین ارتش زبرهدایت عوامل آمریکا در هیئت حاکمه و طایف سرکوبگرا به خود را ادامه میدهد. بله کردستان را همین هیئت حاکمه مورد یورش قرار داده است و به خون کشیده است.

حزب توده این واقعات عربیان را پرده پوشی میکند و هیئت حاکم را "مظلوم" جلوه میدهد. او میکوند تا عدا انقلاب را آرایش کند و توده ها را فریب دهد. وظیفه حزب توده حفظ از عدا انقلاب است. حال باید پرسید عدا انقلاب کیست؟ آری ضد انقلاب عبارت از امپریالیستها، رژیم جمهوری اسلامی و ابزارهای سرکوبش، اویسی ها و با لیزبیاها و حزب توده و... میباشد.

فراموشکاری، "حزب توده"!

"حزب توده" به انقلابیون و خلق کرد تهمت میزند که در کنار رژیم فاشیستی عراق ایستاده اند. واقعیت چیست؟

۱ - اولاً با بدگفت که اختلاف رژیم ایران با رژیم عراق نه بیان تضادی عمیق و آشتی ناپذیر، بلکه اختلافی است که از مضمی ارتجاعی با بهره گرفته است. وجه بسا در تریبی نه جندان دور این دور رژیم اختلافات خود را بکنار بگذارند. حال آنکه انقلابیون و خلق کرد از مضمی انقلابی علیه رژیم حاکم مبارزه میکنند و هدف آنان تا مین استقلال و آزادی ایران است.

۲ - ثانیا با بداز "فراموشکاری" حزب توده صحبت نمود! مکتوبات چندین پیش بین سوسیال امپریالیسم شوروی و عراق مناسبات بسیار "گرم و دوستانه" ای برقرار رنمود؛ مگر حزب روبریونیت عراق در پلنوم ۱۹۷۹ خود مطرح ساخت که رژیم صدام حسین بر اساس "راه رشد غیر سرما به داری" به راه سوسیالیسم پیش میرود و شخص صدام حسین مرتجع قابلیت پذیرش "سوسیالیسم علمی" را دارد!

چطور شد که رژیم مترقی دیروز حزب توده امروزه رژیم فاشیستی تبدیل گردید؟ آیا همین رژیم عراق دیروز نیز ارتجاعی نبود؟ مسلم است که پاسخ این پرسش مثبت است. حزب توده امروز این موضع را میکبرد زیرا روابط بسا بنده صدام حسین و روبریو - سیستمهای عرفی و کثرت گشته و حتی روبریونیتها بودند سکبری واقعی گشته اند. "حزب توده" و انعمود میکنند که ما لاف رژیم عراقی است و ولی با زهم دچار نکسری "فراموشکاری" میکردد و آن اینکه همین رژیم فاشیستی عراق توسط اربابان روسی حزب توده در حال حاضر صلح منحود، در حقیقت ارتش عراق بسا اطله های سبک و سکن شوروی تجهیز میگردد، سوری در بند برمه دارای یک پایگاه نظامی - دریایی بسا دو جندی بسن یک هیئت دولتی از شوروی بسه دندار رژیم فاشیستی صدام حسین رفت.

"حزب توده" روبریونیت در تمام این موارد سکوت میکند و عوام قمر بسا به رژیم عراق دشمنانمندند و حال آنکه ما مطمئن هستیم فردا که روابط بین سوری، عراقی، بهتراز امروز گشت، برای "حزب توده" همین رژیم فاشیستی به رژیم مترقی، ملی و ضد فاشیستی تبدیل خواهد گشت! منافع آزمندانانه... ال امپریالیسم معا رستش "حزب توده" است بسا برای منی بسینیم که واقعا چه کسانی در کنار رژیم ارتجاعی عزای قرا رگرفتند و فرارگرفته اند و منی بسینیم که "حزب توده" بقدر فریبکاری میکند تا مرزا انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش نماید و از بس طریق بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۵

جنش ...

انداخته، کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داده آنان را بازداشت و به زندان می افکند. دستگیری دهها و دهها کارگر انگلیسی، دستگیری و بازداشتها ی گروهی فلزکاران را برزبلی و بازداشتها و تهدید به اخراج کارگران آمریکائی شواهدی از اقدامات ارتجاعی بورژوازی است ولی ناگفته نماند که همین اقدامات منجر به افتای بیشتر سرما به داران و دولت طبقاتی آنان میگردد و آنگاه و تجربه مبارزاتی کارگران را ارتقا میدهد.

بله، اعتصاب مدرسه انقلاب است و در این مدرسه کارگران مبارز سرخشی، همبستگی و روحیه مبارزه جویانه خود را میفشانند. ولی هرگز نباید فراموش کرد که مبارزات کارگران جهان سرما به داری که امروز با دنیوی بخود گرفته تا زمانی که متکی به آنگاه مارکسیستی - لنینیستی نباشد و توسط حزب راستین طبقه کارگر هدایت نشود به پیروزی قطعی بر بورژوازی نائل نخواهد شد.

واقعیست اینست که امروز تشکلات کمونیستی در کشورهای سرما به داری بسیار ضعیف بوده و فاقد نفوذ توده ای می باشند، حال آنکه رویز بیونیستها و رفرمیستها عمده جنش های کارگری را مهیا کرده و مانع از آن گشته اند تا این جنبشها به تفریق طبقاتی علیه بورژوازی دست زنند. بهر واضح است تا زمانی که جنبش بین المللی طبقه کارگر خود را از احکامیت رویز بیونیستها رها نساخته است، نمی تواند از چهار - چوب مناسبات بورژوازی خارج گردد. فقط آن زمان طبقه کارگر جنبش طبقاتی او به پیروزی علیه بورژوازی دست خواهد یافت که به ماژکسیم - لنینیسم و حزب کمونیست اتکا داشته باشد. تنها در چنین حالت است که طبقه کارگری بتواند انقلاب کرده، بورژوازی را سرنگون ساخته و دیکتاتوری پرولتاریا را برپا نماید.

بقیه از صفحه ۱۳

حزب توده ...

بهنتره فربا مدعا انقلاب برسد. وقاحت "حزب توده" زمانی اوج میگردد که مزورانه تنها بیشتر کسان انقلابی خلق کرد را "فدا انقلاب" میخواند، بلکه همین مبارزه خلق دلاور و فدا مهربا لیست کرد را در خدمت توطئه های امپریالیستها میداند. و در پی پاره "مردم" می نویسد: "... این خلق رنج دیده که اکنون با خون فرزندان شهید توطئه های امپریالیسم آمریکا را آبپاری میکند..." (هما نجا)

این نمایش برپا شده در پشت پرده و زلات حزب توده است که مبارزه خلق کرد را در خدمت امپریالیسم آمریکا و توطئه های او بشمار می آورد، خلقی که علیه رژیمها کم و امپریالیسمها خواسته و برای حق خود - مختاری خود می جنگد، خلقی که بدرستی از فرزندان پیشمرگه خود بیدریغ حمایت میکند، بلکه از نظر "حزب توده" خائن مبارزه قهرمانان خلق کرد "شهال توطئه های امپریالیسم آمریکا را آبپاری میکند". اینست عمق خیانتهای رویز بیونیستهای "حزب توده" یعنی کسانی که حاضرند در راه منافع اربابان روسی - شان و بیخاطر در پیوستگی در برابر ارتجاع حاکم کشف ترین خیانتها را علیه انقلاب و طبقه کارگر و خلقهای ایران انجام دهند و روشن است که "حزب توده" بر اساس ماهیت خود چنین میکند.

کرایسکی ...

که ندا و ما این اوضاع "منتشج" برپا ن هردو خواهد بود آنان دیدند که علیرغم کلیه تاکتیکها و تئوریا ت، ختم توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه شعله ورت میگردد. امپریالیسم آمریکا می بیند که اوضاع کنونی ایران زمینه را برای نفوذ بیشتر سوسیال امپریالیسم شوروی فراهم نموده است و بورژوازی حاکم میدانده که "عدم منتشج" میان ایران و آمریکا در راستای اهداف اساسی آنان قرار میگیرد پس عاقلانه است که با پیشه کردن سیاست عدم منتشج تقسیم بها شود. در این رابطه توجه به سخنان "رهبران جامعه سوسیالیست" و روشنگر و آموخته است، آنجا که دوبار بر روی این مسئله تاکید می کنند که وضع فعلی سیاست عدم منتشج بین آمریکا و شوروی را بطرفی - اندازد و این بفرز "نیروهای ترقیخواه" در جهان تمام میشود. آقای کرایسکی در این باره چنین می گوید:

"هر زمان که ایر قدرتها توانسته اند سیاست خاص پیش گیرند و سرخشی های بین المللی بیغرا بند پیروزی ملت های محروم در دنیا رزات ترقیخواهانه مواجه با اشکالات بیشتری شده است و برعکس هرگاه تنش زدائی و تفاهم بین المللی سط یافته دور رسای موفقیت انقلابها - نظیر انقلاب ایران بیشتر شده است."

میدانیم که این آقایان "سوسیالیست" ها همه جا هدف خود را از آمدن به ایران "جمع آوری اطلاعات" حمایت از انقلاب اسلامی ایران" در مقابل شوروی و آمریکا... تبلیغ کردند. وقتی الواقع آنها خود را نیروی مترقی و جدا از این دو کشور تبلیغ نمودند که بسیاری خط "نه ترقی، نه غربی" جمهوری اسلامی ایران آمده اند. آقای کرایسکی ابراز میدارد:

"ما برای بیان منافع آمریکا نیاز مده ایم از آمریکا مستقیم، تحریم اقتصادی را دنبال نکرده ایم و نمی کنیم. به العیبیک میرویم و ولی از مکرهم مستقیم."

و آقای رئیس جمهور هم که در ظاهر امر دینتال دوستان مستقل میباشد ابراز امیدواری میکند که "کشورهای دنیا و سوم و نیروهای مترقی اروپا (یعنی همین سوسیالیستها - پیگارا) میتوانند در طریق از بین بردن روحیه تخاصم و مقابله بر قدرتها موثر واقع شود."

در جای دیگر آقای قطب زاده یکی دیگر از اعضای دولت و شورای انقلاب در پاسخ خبرنگاری که کیفیت

شاه ...

تهدیتی و دروغی و سرکوبی به کمونیستها خود داری نمی کنند، توده ها را علیه کمونیستها بسیج میکنند و حرکت آنها را از زیر شوری بسوی نابود کردن سلطه و نفوذ دشمن اصلی ما یعنی امپریالیسم آمریکا و سرما به داری وابسته منحرف کرده، البته تیز حمله را بسوی کمونیستها متوجه می سازند، برخی آنگاه و برخی نا آنگاه در چهار چوب برنامها استراتژیک امپریالیسم آمریکا عمل می کنند (۱) و بهترین کمک (۱) - توجه کنیم به سخنان او بوسی که در هفته گذشته گفت: هدف مهم ما از اقدام علیه ایران سرکوب کمونیستهاست. همچنین توجه کنیم به سخنان رئیس جمهور در میتینگ تبریز (۲) او فرار دینتال گفت: استادی از جا سوان بدست آمده که میگوید "بگذار رخصتی کمونیستها را بکنند و از دست آنها راحت کنند" (۳۰۰۰)

سفر اجوبیا میشود چنین می گوید:

"بظن من سفر بسیار موفقیت آمیزی بوده است از لحاظ روشن کردن مواقع انقلاب ایران برای اینها که قدرت برتری در جهان هستند. این حزب در ۶۸ کشور جهان عضو دارد (و از جمله اعضای آن حزب کارگزار اسرائیل، حزب سوسیال دمکرات آلمان، حزب کارگزار انگلستان و... میباشند - پیگارا) و طبیعتا ما باید این تماسها را ادامه دهیم و سعی میکنیم که از طریق اینها که خصمنهای برتری در دنیا هستند (بمنظر شخصیت های جوی و ملی برانت آلمان، اسحاق رابین اسرائیل کاراییکی از اطریش و... پیگارا) بسام خود را به همه جهان برسانیم. سعی جفا بیست انقلاب را بگوش همگان برسانیم که و اما حلی مهم است. (ازکی تا بحال حزب کارگزار اسرائیل و آقا بیان و ملی برانت، کرایسکی و... بیگ های انقلاب شده اند!)

و اما در همین خط و در همین رابطه و در تاشبند صحبت های پیشین ما لحظه ای به سخنان و اظهارات آقای علیرضا نویری رئیس کل بانک مرکزی ایران و با روهدم آقای بنی صدر درباره "خامنهین الملل سوسیالیستها" و آقا بیان نامه، کوتوالس و کرایسکی توجه کنیم. ایشان (نویری) میگویند:

"۳ کشور سوئد، اطریش و اسپانیا از حمله کشورهای اروپایی هستند که از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی کرده اند و در بسیاری از زمینه ها از حمله سازمان سلطه حوثی های ابرقدرت های شرق و غرب ایران مواقع مشترکی دارند."

ما قبلا شهای از ما هیت جفا معین المللی سوسیالیستها را مورد نظر قرار دادیم و توجهی اندک بدانچه رفت، ابطال ادعای نویری ها را در بر مبارزه "جامعه سوسیالیستها" علیه امپریالیسم استولت به ثبوت میرساند. ولی اگر طولانی شدن مقاله مانع نمیشد در اینجا از وابستگی این سوسیالیستها به امپریالیسم غرب و نقش دلالی آنها برای آمریکا، پیشتر سخن می گفتیم، تا خوانندگان خود بهتر به ماهیت فدا انقلابی و فریبکارانه مقامات بظاهر انقلابی ایران پی ببرند. اما آنچه که ما دیدیم و دیگر نیروهای انقلابی و آگاه خلق برعکس شده و ادعای سردمداران و مسئولین رژیم میدانیم این است که و طبقه این "رهبران سوسیالیست" در نهایت عادی کردن روابط ایران و آمریکا و ترمیم خسارتهای است که امپریالیسم در نتیجه فبا مطلقهای ایران و سقوط رژیم وابسته شاه تحمل کرده است.

را به امپریالیستها و سرما به داران و دشمنان خلقها انجام می دهند. آنها باید بدانند که جلوی حرکت تاریخ را نمی توان گرفت و تاریخ اینترا تا می طابیت خود نشان خواهد داد. توده های زحمتکش باید بخوبی اینترادک کنند که دشمنی با کمونیستها، ضمت زدن به آنان، معاونت از فعالیت انقلابی آنها، دستگیری و مهاجمه و اعدام آنان از جنبش - آمریکا نیست.

آخرا آمریکا، اسرائیل، شاه و همه سرما به داران و زمین داران بزرگ و همه مترجمین، کمو - نیستها را دشمن خود میدانند؟ آیا این قابل فکسر نیست؟ خونا بحال کمونیستها که آمریکا، شاه و دیگر جباران تاریخ آنها را دشمنان درجه اول خود می دانند. این خود سندی است برای حقانیت کمونیستها

یاد شهیدان خلق عرب را گرامی بداریم!

شهر، مدهانفران زمان و مردان زحمتکش و کودکان بیدفاع عرب را بغاگ و خون کشیده و با دستگیر کرد. هبشتت خاکه این کشتار را با زدن اتهام "تجزیه طلبی" و "فدا انقلابی" به خلق زحمتکش عرب، در تبلیغات خود برحق جلو داد، به هما نگونه که خلق ترکمن و خلق دلاور کرد را با این عنوانها سرکوب کرده و می کنند. لازمست ذکر است که خواسته های برحق و عادلانه خلق زحمتکش عرب در جهت احقاق حقوق ملی خویش در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک با خواسته های "تجزیه طلبانه" جناح های مرتجع محلی فرستگها فاصله داشت و دارد. همچنین خواسته های عادلانه خلق عرب، از مطامع شوونیستی و ارتجاعی رژیم فاشیستی عراق که تلاش میکند، با عنوان کردن عربستان مستقل و دست زدن به عملیات تروریستی از طریق عنا صر فریب خورده و نا آگاه و غیره جریانات ارتجاعی اعراب ایران را تقویت نموده و میا رزه برحق خلق عرب را لوث نماید، ما هبتا و عمیقاً تفاسوت دارد، - مسئله ای که مورد سو استفاده رژیم جمهوری اسلامی ایران می باشد. و خلق زحمتکش عرب ضمن اعتقاد به ضرورت حفظ وحدت صفوف رزمنده خلقهای سرتاسر ایران برای احقاق حقوق خویش مبارزه میکنند.

با ردیکر، همرا با کلبه کمونیستها و انقلابیون راستین میهنمان، یاد شهیدان خلق ستمدیده عرب را گرامی میداریم با شکر در بر تو وحدت مبارزاتی تمام خلقها، ریشه های حامیان امپریالیسم و ارتجاع داخلی از ایران برکنده شود.

جنش دمکراتیک - خدامپریالیستی خلقهای قهرمان ایران شامل دستاوردهای گرانبهای برای خلقهای ایران بود و خلقهای زحمتکش ما دوش بدوش هم در انقلاب شکوهمند میهنمان جانبا زنها کرده اند هر یک، خواستار حاکمیت خود بر سرنوشته خویش و رفع با ردها سال ستم ملی و طبقاتی از دوش خویش می باشند. اما از همان آغاز بعد از قیام دستاوردهای انقلاب، مورد سرش ارتجاع واقع گردید و خلقهای کرد، ترکمن و خلق زحمتکش عرب به موازات هم مورد تهاجم و کشتار رژیم قرار گرفتند. خلق زحمتکش عرب که سالهای سال در اعماق فقر و محرومیت و ستم ملی بسر برده است بعد از قیام دست به ایجاد تشکلهای خلقی خود زد تا مبارزه خود را بر سر تهمیستی تمامی خلقهای ایران، برای احقاقی کامل حقوق خود ادامه دهد. هبشتت خاکه نهنه تشها در بر آوردن خواسته های عادلانه خلق محروم عرب کوچکترین تلاشی نکرد بلکه از همان آغاز تشکیک کانون فرهنگی خلق عرب کینه و ضدیت خود را با مبارزات برحق این خلق زحمتکش نشان داد و با گمراهن تیمار تها هبتا "مدنی" به استناداری خوزستان، دست به کشتار زحمتکش عرب زد. مدنی این مهره سرکوبگر رژیم از همان آغاز انتخاب خود، با همدستی شیوخ و سران مرتجع عناصر تبلیغاتی عوام فریبانه و کوشش در جهت خلع سلاح خلق عرب، از هیچ سوطه ای فروگذا رنکرد و بدستور هبشتت خاکه در تاریخ چهارشنبه ۵۸/۳/۹ توسط باسداران بسنه اصطلاح انقلاب و ارتش ضد خلقی با حمله به کانون فرهنگی خلق عرب در چرمشهر و مناطق عرب نسن این



خلق عرب فریاد میزند: ما تجزیه طلب نیستیم، ما خواهان حقوق ملی خویش در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک هستیم!

ای سپیده سرخ | بگذارد بگویم | بساید تو
ای هموزم | زمانیکه بخروشم ما | ستارگان انقلاب را خواهیم درخشان
ای رفیق | ای بار راستین پرولتاریا | بساید تو | بساید تو
برای ما بعدا مبارد | ای رفیق | کلوی ارتجاع را خواهیم فشرده | بساید تو
۵۹/۲/۱۵

توضیح درباره کمکهای مالی هموطنان مبارز! رفقا!

سارمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه - جانیه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانستید بدست ما برسانید.
برای اطمینان از اینکه کمکها بتان توسط سارمان دریافت شده، عددی بکرمی، با دورقمی و با سه رقمی (حداکثر سه رقمی) به دلخواه بعنوان "کد" انتخاب کرده و همرا با حرف اول نام خود به دریافت کننده، کمک مالی بدهید.

سارمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ با ۱۰۰ و ۱۰ (۱۰۰۰۰۰) برای "کد" بکرمی، ۱۰۰ برای دورقمی و ۱۰ برای سه رقمی ضرب کرده و حاصل آنرا به مبلغی که پرداخت کرده اضافه نموده و همرا با حرف اول نام شما در تشریح "بیکر" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن می شوید که کمک مالی شان در اختیار سارمان قرار گرفته است.
انتخابی ۵۸ و حرف اول نام شما "ت" باشد در ستون کمکهای مالی دریافت شده (آ ۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواهید کرد.

$$58 \times 100 = 5800$$

$$2500 + 5800 = 30800$$

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۹۸۹۰	ک	۵۹۷۰۰
الف	۳۳۲۰	س	۵۵۰۰
الف	۷۰۰۰	ل	۱۱۱۰۰
الف	۲۶۰۰	ش	۳۸۰۰
الف	۱۵۲۸۰	ش	۱۰۷۲۰۰
الف	۵۱۸۰	ص	۱۰۰۰۰
الف	۸۹۰۰	ط	۲۳۰۰۰
الف	۶۹۰۰	ط	۲۱۱۸۰
الف	۵۰۰۰	ع	۱۹۰۰۰
ب	۲۴۸۰۰	ع	۱۱۰۰۰
ب	۴۱۶۰۰	ف	۱۰۵۰۰
ج	۱۰۰۲۲۰	ق	۳۶۰۰۰
ج	۱۲۲۰۰	ق	۲۷۱۰۰
ج	۱۰۱۸۰۰	ک	۹۲۴۰۰
ج	۳۲۸۲۰	ک	۱۱۳۴۰۰
ج	۴۰۲۹۰۰	ک	۱۵۱۵۰۰
د	۲۳۲۰	ک	۱۹۸۰۰

این شعرا ز رفیق کارگرم - ن برای رفیق شهید احمد مؤذن و تمام رفقای جانباخته در راه آزادی طبقه کارگر سروده شده است.

بیا دموژن

ای نامت سزاغای فریاد
ای جون سوجاری درما
ای "موژن" آزادی
ای رفیق
نامت فریاد دست درگلو
و مرکت
ناقوس رهایی کارگران را
در سپیده دم اعدام
برای ما بعدا مبارد

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست